



از راسته صنایع دستی در بازار که رد می‌شوی، نوع بعضی نقاشی‌ها متفاوت است. نقش مرغ و گل‌های اطراف را که کنار بگذاریم، آدم‌های درون تصویر هم یک‌طور دیگرند؛ لباس‌هایشان، حالت ایستادن یا نشستن‌هایشان، صورت‌هایشان. همه چیز تخت نقاشی شده و پر از انحنای رنگ‌ها چقدر زیبا هستند و چقدر زنده! بعضی‌هایشان خیلی قدیمی‌اند، اما زنده‌اند. بی‌حوادلت می‌خواهد یکی‌شان را داشته باشی؛ البته اگر محتویات جیب‌ت اجازه دهد! از مغازه‌دار پرسیدم، این نقاشی‌ها اسمشان چیست؟ - نگارگری. برای ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال پیش است.

«جست‌وجو، نگارگری چیست؟»

جست‌وجو کردم تا بفهمم اوضاع از چه قرار است. مطالبش را خواندم و حالا خودم می‌خواهم برایتان بگویم. البته هنرجویان رشته نگارگری خودشان استادند و می‌توانند با خیال راحت ورق بزنند و بروند صفحه بعد! فقط قبلش، آخر مرقومه را بخوانند و بروند!

شنیده‌اید هنر نزد ایرانیان است و بس؟! یکی از مهم‌ترین این هنرها نگارگری است. نوعی نقاشی که در بالا تصویرش را می‌بینید!

واقعاً جذاب و زیباست. اصالت از سر و رویش می‌بارد. خیلی‌ها حتی غیرایرانی‌ها نیز عاشق این هنر ایرانی هستند. دلیل زیبایی‌اش به نظر من جزئیات زیاد و وجود دقت است. وقتی شما یک تصویر هنر نگارگری را می‌بینید، اولین چیزی که توجه‌تان را به خودش جلب می‌کند و از ذهنتان می‌گذرد، این جمله است: نقاشش چه حوصله‌ای داشته!

همین دقت و ظرافت باعث شده کار هنری او کیفیت داشته باشد. همین است که بعد از ۲۰۰-۳۰۰ سال، هنوز آدم‌های زیادی از ایرانی و غیر ایرانی برای داشتن یکی از این‌ها سر و دست می‌شکنند. همین که هنرمندش به این دلیل که حوصله به خرج داده و مثل بعضی‌ها از ما کارش را سمبل نکرده است!

گوگل را که مرور می‌کردم، یک اثر ناب پیدا کردم که یکی از نقاط اوج هنر ایرانی است و نگارگری هم در آن هست. اسمش «مُزَقْع گَلشن» است؛ مجموعه‌ای است از هنر نگارگری، خوش‌نویسی، شعر و تذهیب.

کتابت کیست

!؟

مہیار قنبری

**در دنیای کنونی
کسب و کارها،
تمرکز شرکت‌ها
و تولیدی‌ها بر
بالابردن کیفیت
از راه افزایش
بهره‌وری است**

تصویرهای این کتاب را که دیدم، فهمیدم نه تنها نگارگری، بلکه تمام هنر ایرانی پر است از ظرافت و دقت. باکیفیت‌ترین آثار هنری هستند که می‌توان پیدا کرد. انگار کیفیت در خون ما ایرانی‌ها بوده و هست. دقت در جزئیات و اینکه هیچ فضایی از دست نرفته باشد و همه‌چیز در زیباترین و بهترین حالت ممکن. شعرها، خوش‌نویسی‌ها و نگارگری‌ها از همه ظرفیت کاغذ استفاده کرده‌اند. حتی حاشیه‌های کتاب هم پُر از هنر اصیل است؛ همه‌اش تذهیب‌کاری شده. یعنی اگر شما عکس‌ها را ببینید و فقط حاشیه را نگاه

کنید، باز هم کیفیتان سر جایش خواهد بود.

مرقع گلشن حدوداً مربوط به ۴۰۰ سال پیش است که مجموعه‌ای از آثار بهترین هنرمندان ایرانی در حوزه‌های هنری است، اما بعد از این همه سال، به هر خبره هنری اسمش را بگویید، می‌فهمد شما اهل دل هستید و هنر را می‌فهمید! راز این آثار در همین کیفیت و نهایت استفاده بهینه از همه امکانات و ظرفیت‌هاست.

در دنیای ما کیفیت و بهره‌وری حرف اول را می‌زند. شاید این دو واژه را در فضای کسب و کار زیاد شنیده باشید. در خیلی از کسب و کارها کیفیت مشخص می‌کند کت تن کیست! وقتی ماشین پدرتان خراب می‌شود، می‌گوید ماشین را فقط دست اوس ناصر می‌دهم. چرا؟ مگر مکانیکی‌های دیگر کار نمی‌کنند؟ وقتی مغازه اوس ناصر را از نزدیک می‌بینی، غلغله است، اما همسایه‌های کناری‌اش دارند مگس می‌پراندند. دلیلش این است که اوس ناصر دستش طلاست؛ کارش با کیفیت است. وقتی می‌خواهید از یک قنادی شیرینی بخرید، کیفیت حرف اول را می‌زند. وقتی می‌خواهید یک وسیله بخرید، نشان تجاری‌اش (برندش) را نگاه می‌کنید. می‌دانید کیفیت کارش بالاست. وقتی می‌خواهید میوه بخرید، کیفیت بار و محصول کشاورز حرف اول را می‌زند. کشاورزی که به باغش خوب رسیدگی کرده، در کم‌آبی کوشیده از بهترین روش آبیاری استفاده کند تا هم آب کمتری مصرف کند و هم میوه‌ها به اندازه آب بخورند، محصولی که کاشته مناسب بوم محل زندگی‌اش بوده، خاک زمینش با چند تقویت ساده بهترین عملکرد را روی محصول گذاشته، در نتیجه کیفیت میوه‌اش هم درجه ۱ است. این میوه روی زمین نمی‌ماند.

البته از حوصله‌ای که آن نگارگر داشته، تا زحمتی که این کشاورز کشیده، همگی نشان می‌دهند که کیفیت داشتن اصلاً کار ساده‌ای نیست. باید

زحمت کشید، از زمان بیشترین استفاده را برد و بیشترین کار مفید را انجام داد. محدودیت‌ها را با تدبیر برطرف کرد، کارهای بیهوده و فرعی را کنار گذاشت و به کارهای اصلی پرداخت. امکانات در دسترس را هدر نداد و به بهترین شکل ممکن از آن‌ها استفاده کرد تا در نهایت به خروجی با کیفیتی رسید.

در دنیای کنونی کسب و کارها، تمرکز شرکت‌ها و تولیدی‌ها بر بالابردن کیفیت از راه افزایش بهره‌وری است. یعنی می‌خواهند هدررفت منابع و زمان و نیروی انسانی‌شان کمتر شود و از همین امکاناتی که دارند، بیشترین و بهترین استفاده را ببرند تا کیفیت کارشان بالا برود. به‌نوعی، از همین آب موجود بیشترین گره ممکن را می‌گیرند.

از راسته صنایع دستی‌های بازار رد شوید و اگر خرید هم نمی‌کنید، فقط نگاه کنید. از این همه کیفیت و بهره‌وری لذت ببرید. فرهنگ، هنر، سنت و مذهب ما پر از کیفیت و بهره‌وری است. در خون ما ایرانی‌هاست. فقط نباید سنت‌های خوبمان را فراموش کنیم.